

بررسی و تحلیل اشتغال ایجاد شده بر وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه هدف سازمان

بهبودی استانی خراسان رضوی*

حسن توزنده‌جانی^{*۱}

۱) استادیار. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور

* نویسنده مسؤل: D.tozandejani44@yahoo.com

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی می باشد که به سفارش معاونت کارآفرینی و اشتغال سازمان بهزیستی خراسان رضوی انجام شده است.

تاریخ دریافت مقاله ۸۸/۳/۱۹ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۸۸/۴/۱ تاریخ پذیرش مقاله ۸۸/۷/۳

اعتبار، نوع شغل و شهرستان محل اقامت با عزت نفس و

چکیده

این پژوهش از نوع پژوهش های پیمایشی و توصیفی

است که با هدف بررسی تأثیر اشتغال ایجاد شده بر

وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه هدف

سازمان بهزیستی استان خراسان رضوی انجام شده است .

بدین منظور نمونه ای به حجم ۷۶۸ نفر از مددجویان

نصت پوشش حوزه های توانبخشی، امور اجتماعی و

پیشگیری سازمان بهزیستی را به صورت طبقه ای انتخاب

نموده و به صورت تصادفی در دو گروه ۳۸۴ نفره

آزمایش و کنترل جایگزین گردید . در این پژوهش از سه

پرسشنامه نگرش شغلی و خانوادگی (محقق ساخته)،

مقیاس عزت نفس روزنبرگ و مقیاس پذیرش اجتماعی

کراون- مارلو استفاده شد . نتایج پانگرا این بود که میان

دو گروه مورد مقایسه در متغیرهای مورد نظر تفاوت

معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، اشتغال ایجاد شده

بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد

مطالعه تأثیر مثبتی داشته است. از سوی دیگر، منابع تامین

هم‌چنین، منابع تامین اعتبار و نوع شغل با پذیرش

اجتماعی رابطه معناداری دارند.

کلید واژه گان: نگرش شغلی و خانوادگی - اشتغال

ایجاد شده - وضعیت اقتصادی و اجتماعی

مقدمه

سازمان‌ها به منظور دس تیابی به اهداف سازمانی، شناسایی ظرفیت‌ها و توانمندسازی‌های خویش و ایجاد توانایی در جهت ترمیم نقاط ضعف از یک سوی و تقویت نقاط قوت از سوی دیگر، به توسعه کمی و کیفی خود مبادرت می‌ورزند. در این راستا، سازمان‌های بهزیستی به عنوان یکی از دو سازمان بزرگ خدمت‌رسان و حامی اقشار آسیب‌دیده در کشور مطرح بوده و کانون اصلی فعالیت‌ها و برنامه‌های این سازمان، پیشگیری از فروپاشی زندگی افراد و خانواده‌هایی است که به علت مشکلات اقتصادی و ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی دچار آسیب‌پذیری و ناتوانی‌های مخ‌تلف شده‌اند و یا از معلولیت‌های جسمی و روانی رنج می‌برند. همگام با این فعالیت‌ها، سازمان‌های بهزیستی وظیفه دارد با بهره‌گیری از روش‌های علمی و با هدف کمک مستمر و غیر مستمر حسب قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست و قانون جامع حمایت از حقوق معلولین با ایجاد فرصت‌های شغلی در قالب خود اشتغالی، تعاونی، ... و تشکیل ستاد اشتغال، به این مهم بپردازد و ضمن ارایه آموزشی آموزش‌های مناسب به جامعه، ایجاد اشتغال مولد و جامعه محور را تا مرحله اجتماعی شدن افراد جامعه تحت پوشش خود، در دستور کار قرار دهد. این اقدامات بر پایه سیاست‌ها و اقداماتی است که برای حمایت از جامعه هدف بهزیستی صورت گرفته است (فورسایت^۱)، به نقل از نجفی و پاشا شریفی، (۱۳۸۰).

بررسی‌ها نشان داده است که برای توانمندسازی افراد و کاهش محرومیت، استراتژی اشتغال و کارآفرینی مؤثر است. برای نیل به این هدف و تحقق کاهش فقر، همه ساله اعتباری برای تأمین هزینه‌های معیشتی نیازمندان و معلولان تحت پوشش سازمان‌ها و نهادهای حمایتی در

نظر گرفته می‌شود. بخشی از این اعتبارات، صرف توانمندسازی و کاهش فقر افراد نیازمند می‌گردد. سازمان‌های بهزیستی به منظور اجرای مأموریت خود و تحقق اهداف سازمانی با استفاده از برنامه‌های اجتماع محور، به اشتغال از طریق پرداخت سرمایه کار یا ایجاد کارگاه‌های کوچک و تأمین حق بیمه سهم کارفرما در بیمه‌های تأمین اجتماعی پرداخته است (مولودی، ۱۳۷۰).

بر پایه مطالعات صورت گرفته، آمار بیکاری افراد معلول خصوصاً در بین جوانان معلول در حدود دو برابر آمار بیکاری افراد سالم است. نتایج مطالعات انجام شده در داخل کشور تصریح می‌کند که آمار بیکاری در بین معلولان در سطح جهان نسبت به افراد عادی ۲ برابر و در کشور ایران ۳ برابر است. در حال حاضر حدود ۲۱۲ هزار معلول و مددجوی بیکار تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند و این در حالی است که از سال ۱۳۸۰ تا کنون تنها برای حدود ۸۰ هزار نفر از افراد تحت پوشش شغل ایجاد شده است. از سوی دیگر، در حال حاضر یک میلیون و سیصد هزار نفر زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد که از این عده ۷۰۰ هزار نفر تحت پوشش حوزه‌ی اشتغال یا بازنشستگی بوده و یا مستمری بگیر می‌باشند و ۶۰۰ هزار نفر از این زنان سرپرست خانوار فاقد درآمد تضمین شده قابل اطمینان هستند. جدای از جنبه مالی و درآمدزایی اشتغال، عوامل م‌ثر و نشثیرگذاری از قبیل تغییرات ایجاد شده در زمینه‌های فرهنگی، روانی و اجتماعی از تبعات مثبت ایجاد اشتغال است که نیازمند بررسی‌های گسترده‌تری است (ترابی کیا، ۱۳۷۷).

ایجاد اشتغال می‌تواند زمینه‌های رشد افراد را از جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تسهیل نماید. عواملی همچون ایجاد عزت نفس، احساس مفید بودن

1. Forsaite

در یک بررسی تحقیقی با هدف مقایسه عملکرد تحصیلی و سازگاری عاطفی - اجتماعی فرزندان مادران شاغل و غیرشاغل در شوشتر، نتایج بیانگر این بود که زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه دار به طور معنا داری خود را با معلومات تر، باهوش تر، موفق تر، با تنبلی کمتر و با وضعیت ظاهری بهتر، مستقل تر با حسادت کمتر، تلاش و سخت کوشی بیشتر و بی رحمی کمتری می دانند (افشاری، ۱۳۷۵).

اوتادی (۱۳۸۱) در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر اشتغال زنان بر روی سلامت روان همسران آنان به شیوه پیمایشی در شهر تهران پرداخته است و اذعان می دارد که همسران زنان شاغل از سلامت روان بالاتری برخوردارند. نتایج این پژوهش تصریح می کند که والدین با تحصیلات بالاتر از سلامت روان بالایی برخوردارند. نتایج پژوهش مباشر مقدم (۱۳۸۱) نیز حاکی از این است که بین سلامت روانی دانشجویان شاغل و غیرشاغل، متاهل و مجرد تفاوت وجود دارد. حسینی نسب (۱۳۸۱) و ابراهیمی (۱۳۸۱) براساس نتایج بررسی های خود اذعان می کنند که افزایش جمعیت موجب بروز مشکلات اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی می شود، مشکلاتی که جز با استراتژی های بلندمدت و مشخص برای مهار رشد جمعیت و ایجاد فرصت های شغلی جدید، همراه با تسهیلات لازم برای انواع سرمایه گذاری ها برطرف نخواهد شد. یارایی (۱۳۷۸) بر پایه نتایج حاصل از بررسی خود که با هدف بررسی تأثیر اشتغال مادران در پنج سال اولیه زندگی کودکان بر رشد شناختی و اجتماعی کودکان پرداخته است اذعان می دارد که به طور کلی اشتغال مادران در سال های اولیه زندگی کودک بر رشد شناختی و اجتماعی کودکان آنها در بدو ورود به دبستان تأثیر منفی ندارد. کربلایی و لالایی (۱۳۷۸) بر پایه نتایج

برای جامعه، سلامت جسمی، ارتقای منزلت اجتماعی، سلامت روانی و برطرف شدن انزوای اجتماعی نیز از تبعات ایجاد اشتغال است (رایس^۱، ۲۰۰۵؛ جکسون^۲، ۲۰۰۱).

در سال ۷۵، بیشتر از یک سوم (۳۳/۶ درصد) از خانوارهای دارای سرپرست زن را خانوارهای یک نفره و بیش از یک دوم (۵۱/۸ درصد) از این خانوارها را خانوارهای یک یا دو نفره تشکیل می دادند. همچنین، بیشتر از یک پنجم (۲۱/۲ درصد) زنان سرپرست خانوار، سرپرستی خانوارهای ۵ نفره و بیشتر را برعهده داشتند. این نسبت در نقاط شهری ۱۹/۶ بود (نور بلوچی و مرتضوی، ۱۳۷۱). الگوی سنی زنان سرپرست خانوار در سال ۷۵ به ترتیب در گروه های سنی ۶۵ ساله و بیشتر (۳۱/۷ درصد)، ۶۴-۶۰ ساله (۱۱/۶ درصد) و ۵۹-۵۰ ساله (۹/۴ درصد)، در مجموع ۵۲/۷ درصد از زنان سرپرست خانوار در این سه گروه سنی قرار می گیرند.

نسبت باسوادی در بین زنان سرپرست خانوار کل کشور در سال ۷۵ برابر با ۳۳/۸ درصد و نزدیک به دوسوم از زنان سرپرست خانوار بی سواد بودند. مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش دانشگاهی به ترتیب بیشترین فراوانی نسبی را داشتند. در این سال، ۳/۲ درصد از زنان سرپرست خانوار دارای تحصیلات عالی بودند که یک درصد از این میزان را خانوارهای یک نفره تشکیل می دهند (عمدتاً کسانی که به دلیل تحصیل در حوزه هنوز ازدواج نکرده اند) (نور بلوچی و مرتضوی، ۱۳۷۱). از بین زنان سرپرست خانوار در کل کشور در سال ۷۵، ۱۵/۸ درصد شاغل، ۰/۶ درصد بیکار (جویای کار)، ۱/۶ درصد محصل، ۵۷/۶ درصد خانه دار و ۲۰/۲ درصد دارای درآمد بدون کار بودند و ۳/۹ درصد نیز در سایر گروه های فعالیت طبقه بندی شده اند.

1. Riess

2. Jackson

مؤسسات و شرکت‌های متقاضی ایجاد کرده است (یول^۶، ۲۰۰۶).

با توجه به گزارش‌های فوق، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال‌ها می‌باشد که: آیا روش‌های استفاده شده برای ایجاد اشتغال بر وضعیت اقتصادی نمونه مورد بررسی مؤثر بوده است؟ آیا روش‌های استفاده شده برای ایجاد اشتغال بر وضعیت اجتماعی نمونه مورد بررسی مؤثر بوده است؟ آیا روش‌های استفاده شده برای ایجاد اشتغال بر وضعیت فرهنگی نمونه مورد بررسی مؤثر بوده است؟

روش پژوهش

در این پژوهش از دو نوع روش تحقیق استفاده شده است. نوع اول، نوع توصیفی (پیمایشی) است که به منظور بررسی توزیع ویژگی‌های جامعه آماری به کار رفته است و سؤال‌های پژوهشی نظیر (ماهیت شرایط موجود چگونه است؟ چه رابطه‌ای میان رویدادها وجود دارد؟ و وضعیت موجود چگونه است؟) را پاسخ می‌دهد. نوع دوم طرح پس‌آزمون با گروه کنترل است که طی آن با انتخاب و جایگزینی آزمودنی‌ها در گروه‌های کنترل، قادر به کنترل متغیرها، نحوه انتخاب آزمودنی‌ها، رخ داده‌های تاریخی همزمان با اجرای پژوهش، بلوغ روانی و جسمی و بازگشت‌های ناشی از ابزار آماری بکار برده شده خواهد بود (گلاس^۷ و استانلی^۸، به نقل از اسفندیاری و عابدینی، ۱۳۶۸).

جامعه آماری، نمونه آماری و روش نمونه‌گیری. در

این پژوهش، جامعه آماری مورد مطالعه شامل تمامی مددجویان تحت پوشش سازمان بهزیستی استان خراسان رضوی می‌باشد. این افراد شامل آسیب دیدگان اجتماعی، زنان سرپرست خانوار، جوانان بی‌سرپرست، آسیب‌دیدگان اجتماعی و اقشار در معرض آسیب، معلولین و سایر

بررسی خود که با هدف مطالعه تأثیر اشتغال مادران بر عزت نفس کودکان ۹ تا ۱۱ ساله پرداخته‌اند، اظهار می‌کنند که کودکان مادران شاغل در عزت نفس نمرات بالاتری نسبت به کودکان مادران خانه‌دار ب دست آورده‌اند. نتایج مطالعات دانشگاه نبراسکا^۱ (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که ایجاد کارگاه‌های حمایتی پس از آموزش‌های کوتاه مدت و بلندمدت معلولین (نابینایان، ناشنوایان و معلولین جسمی) توانسته است موقعیت اقتصادی مناسبی را برای آنان فراهم نماید. هم‌چنین، بررسی‌های دیگری اذعان می‌دارند که با وجود حمایت‌های بیمه‌ای از شهروندان، زمینه ایجاد اشتغال برای آنان جزء حقوق اولیه بر شمرده شده است (هدمن^۲، ۲۰۰۳؛ جونز^۳، ۲۰۰۲). نتایج بررسی‌های کراوس^۴ (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که حوزه‌های اجتماعی و خانوادگی و همسو ساختن این دو عامل توانسته است نتایج مؤثری را برای توانمندسازی اقشار جامعه که به آموزش‌های ویژه در مورد شغل احتیاج دارند، فراهم کند. این بررسی‌ها نشان می‌دهند که مشاوره روان‌شناسی، مشاوره شغلی، ارزیابی‌های جسمانی و ذهنی و ایجاد زمینه‌های مساعد برای مولد ساختن این افراد، مؤلفه‌های مؤثری بوده‌اند. بر پایه گزارش کالج گلندال^۵ (۲۰۰۵)، آموزش افراد نیازمند به اشتغال اعم از معلولین (نابینایان، ناشنوایان و افراد با ناتوانی جسمی) در زمینه اشتغال با یادگیری کامپیوتر از موفقیت بالایی برخوردار بوده است. این گزارش می‌افزاید آموزش کامپیوتر و ایجاد اشتغال از طریق آن، زمینه‌های مناسبی را برای کار در

1. Nabrascka
2. Hedman
3. Jonse
4. Chrous
5. Glendall college

6. Joull
7. Glass
8. Stanly

کرونباخ ۰/۷۴ می‌باشد. به منظور افزایش دقت در تکمیل ابزار تحقیق، پاسخ به ابزارها از طریق مصاحبه با پاسخگویان توسط کارشناسان گروه پژوهش تکمیل گردید.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده ها. در پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل داده ها در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام شده است. به منظور پاسخگویی به سؤال‌های تحقیق از شاخص های آمار توصیفی شامل بررسی میانگین، درصد و نمودار استفاده شد. برای مقایسه گروه‌ها از آزمون پارامتریک t ، کای - سکوئر، تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی توکی استفاده گردید.

یافته ها

به منظور بررسی سوال اول پژوهش مبنی بر این که آیا روش‌های استفاده شده برای ایجاد اشتغال بر وضعیت اقتصادی نمونه مورد بررسی مؤثر بوده است یا نه و همچنین اثر بخشی اشتغال بر وضعیت اقتصادی آزمودنی‌ها، ابتدا وضعیت اقتصادی آزمودنی‌های شاغل در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات را مورد مقایسه قرار دادیم.

جدول شماره ۱. آزمون کای - سکوئر اثر اشتغال در بخش‌های مختلف بر وضعیت اقتصادی آزمودنی‌ها

سطح معناداری	ضریب همبستگی فی	سطح معناداری p	درجه آزادی df	مجذور χ^2
۰/۰۰۲	۰/۲۳۶	۰/۰۰۲	۶	۲۱/۳۵

اشتغال در بخش‌های مختلف بر وضعیت اقتصادی " (۰/۰۵) $p <$ تأیید می‌شود. نتایج بیانگر این است که بخش صنعت بیشتر از سایر بخش‌ها توانسته است بر وضعیت اقتصادی تأثیر بگذارد.

مددجویان تحت پوشش سازمان بهزیستی بودند که به نوعی برای آنان شغلی ایجاد شده بود و یا در نوبت اشتغال قرار داشتند. با توجه به نامشخص بودن واریانس جامعه و متغیرهای مورد مطالعه، از بیشینه واریانس برای محاسبه حجم نمونه استفاده گردید. شیوه نمونه‌گیری مورد استفاده در این تحقیق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای بود که با ج‌دا کردن اعضای جامعه به گروه‌های مجزا به نام طبقات و سپس انتخاب یک نمونه تصادفی ساده (۲۶۰ مددجوی تحت پوشش سازمان بهزیستی) از هر طبقه فراهم می‌آید.

ابزار تحقیق. برای دستیابی به اهداف پژوهشی از سه پرسشنامه بهره‌گرفته شده است (الف) پرسشنامه محقق‌ساخته شامل دو بخش، بخش اول مشتمل بر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها و بخش دوم حاوی نوزده گویه که نگرش فرد به شغل، جنبه اقتصادی شغل، ارتباطات درون خانوادگی، برون خانوادگی و زناشویی را می‌سنجد. اعتبار این آزمون بر پایه آلفای کرونباخ ۰/۹۳ مورد تأیید قرار گرفته است. (ب) مقیاس عزت نفس روزنبرگ. اعتبار این آزمون بر پایه آلفای کرونباخ ۰/۸۱ می‌باشد. (ج) مقیاس پذیرش اجتماعی کراون و مارلو. ضریب اعتبار این آزمون با روش آلفای

در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود که مجذور محاسبه شده با درجه آزادی ۶ معادل ۲۱/۳۵ می‌باشد که در سطح ۰/۰۰۲ معنادار می‌باشد. بنابراین، اشتغال در بخش‌های مختلف بر وضعیت اقتصادی آزمودنی‌ها تأثیر معناداری داشته است و فرض تحقیق مبنی بر "اثر بخشی

جدول شماره ۲. آزمون کای-اسکوئر اثر اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت اقتصادی

سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری p	درجه آزادی df	مجذور χ^2
۰/۰۰۰	۰/۳۹۴	۰/۰۰۰	۹	۵۹/۵۳

اشتغال به صورت های مختلف بر وضعیت اقتصادی" ($p < 0/05$) تأیید می شود. نتایج بیانگر این است که اشتغال به صورت کارفرمای بیشتر از سایر موارد توانسته است بر وضعیت اقتصادی تأثیر بگذارد.

در جدول شماره ۲ ملاحظه می شود که مجذور محاسبه شده با درجه آزادی ۹ معادل ۵۹/۵۳ می باشد که در سطح $p = 0/000$ معنادار می باشد. بنابراین، اشتغال به صورت های مختلف بر وضعیت اقتصادی آزمودنی ها تأثیر معناداری داشته است و فرض تحقیق مبنی بر "اثربخشی

جدول شماره ۳. آزمون t مستقل دو گروه شاغل موقت و دائم از نظر وضعیت اقتصادی

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون t		
				سطح معناداری	درجه آزادی	ارزش t
درآمد دائم	۲۱۳	۱/۷	۰/۸۷۵	۰/۱۱۵	۳۸۲	۱/۵۸
ماهانه موقت	۱۷۱	۱/۵۷	۰/۸۰۴			

به منظور بررسی سوال دوم پژوهش مبنی بر این که آیا روش های استفاده شده برای ایجاد اشتغال بر وضعیت اجتماعی نمونه مورد بررسی مؤثر بوده است یا نه و همچنین اثر بخشی اشتغال بر وضعیت اجتماعی آزمودنی ها، آزمون t و تحلیل واریانس یک طرفه مورد استفاده قرار گرفت. این نتایج در جداول ۴ تا ۶ ارایه شده است.

با توجه به این که t محاسبه شده (۱/۵۸) با درجه آزادی ۳۸۲ از t معیار بزرگتر است، بنابراین فرض صفر تایید و تحقیق مبنی بر "اثر بخشی اشتغال (دائم یا موقت) بر وضعیت اقتصادی" ($P > 0/05$) رد می شود. از اینرو، نتیجه گیری می شود که وضعیت اشتغال (دائم یا موقت) بر وضعیت اقتصادی آزمودنی ها تأثیری نداشته است.

جدول شماره ۴. آزمون t دو گروه آزمایش و کنترل بر حسب وضعیت اجتماعی

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون t		
				سطح معناداری	درجه آزادی	ارزش t
پذیرش اجتماعی	۳۸۴	۲۰/۴۳	۸/۳	۰/۰۰۱	۷۶۶	۳/۳۵۸
کنترل	۳۸۴	۱۸/۳۳	۹/۱			

(شاغل بودن یا نبودن) بر وضعیت اجتماعی" ($p < 0/05$) تأیید می شود. از اینرو، نتیجه گیری می شود که اشتغال بر وضعیت اجتماعی آزمودنی ها تأثیر گذاشته است.

با توجه به این که t محاسبه شده (۳/۳۵۸) با درجه آزادی ۷۶۶ بزرگتر از t معیار می باشد، بنابراین فرض صفر رد شده و فرض تحقیق مبنی بر "اثر بخشی اشتغال

جدول شماره ۵. آزمون آنووا در مورد تأثیر اشتغال به صورت های مختلف بر وضعیت اجتماعی

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
بین گروه ها	۲۲۱/۷۳۱	۳	۷۳/۹۱	۱/۰۷۷	۰/۳۵۹
درون گروه ها	۲۶۰۸۶/۶۴۲	۳۸۰	۶۸/۶۴۹		
کل	۲۶۳۰۸/۳۷۲	۳۸۳			

نتیجه می گیریم که بین میانگین های مورد مقایسه تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، اشتغال به صورت های مختلف نمی تواند بر وضعیت اجتماعی آزمودنی ها مؤثر باشد.

در جدول شماره ۵ ملاحظه می شود که F محاسبه شده (۱/۰۷۷) با درجات آزادی ۳ و ۳۸۰ از F معیار کوچکتر می باشد، بنابراین فرض صفر تایید شده و فرض تحقیق مبنی بر "اثر بخشی اشتغال (شاغل بودن یا نبودن) بر وضعیت اجتماعی" ($p > 0/05$) رد می شود. از این رو،

جدول شماره ۶. آزمون آنووا در مورد تأثیر اشتغال در بخش‌های مختلف بر وضعیت اجتماعی

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
۰/۳۸۴	۰/۹۶	۶۵/۴۵۹	۲	۱۳۰/۹۱۸	بین گروه‌ها
		۶۸/۲۱۴	۳۸۶	۲۶۳۳۰/۶۶۱	درون گروه‌ها
			۳۸۸	۲۶۴۶۱/۵۷۸	کل

همان‌طور که در جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود، F محاسبه شده (۰/۹۶) با درجات آزادی ۲ و ۳۸۶ کوچکتر از F معیار می‌باشد، بنابراین فرض صفر تایید شده و فرض تحقیق مبنی بر "اثربخشی اشتغال در بخش‌های مختلف بر وضعیت اجتماعی" ($p > ۰/۰۵$) رد می‌شود. از اینرو، نتیجه گرفته می‌شود که بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، اشتغال در بخش‌های مختلف نمی‌تواند بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها مؤثر باشد.

جدول شماره ۷. آزمون آنووا تأثیر اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها (تحصیلات)

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
۰/۰۶	۲/۵۵	۵۰/۱۵۱	۳	۱۵۰/۴۵۳	بین گروه‌ها
		۱۹/۶۲۹	۳۸۰	۷۴۵۸/۸۳۶	درون گروه‌ها
			۳۸۳	۷۶۰۹/۲۸۹	کل

همان‌طور که در جدول شماره ۷ ملاحظه می‌شود، F محاسبه شده (۲/۵۵) با درجات آزادی ۳ و $df=۳۸۰$ کوچکتر از F معیار می‌باشد، بنابراین فرض صفر تایید شده و فرض تحقیق مبنی بر "اثربخشی اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها" ($p > ۰/۰۵$) رد می‌شود. از اینرو، نتیجه گرفته می‌شود که بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، اشتغال به صورت‌های مختلف نمی‌تواند بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها مؤثر باشد.

جدول شماره ۸. آزمون آنووا در مورد تأثیر اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها (تعداد افراد خانواده)

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
۰/۰۷۴	۲/۳۳	۹/۰۹	۳	۲۷/۲۸۱	بین گروه‌ها
		۳/۹	۳۸۰	۱۴۸۲/۸۴۱	درون گروه‌ها
			۳۸۳	۱۵۱۰/۱۲۲	کل

همان‌طور که در جدول شماره ۸ ملاحظه می‌شود، F محاسبه شده (۲/۳۳) با درجات آزادی ۳ و $df=۳۸۰$ کوچکتر از F معیار می‌باشد، بنابراین فرض صفر تایید شده و فرض تحقیق مبنی بر "اثربخشی اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها" ($p > ۰/۰۵$) رد می‌شود. از اینرو، نتیجه می‌گیریم که بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، اشتغال به صورت‌های مختلف نمی‌تواند بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها مؤثر باشد.

جدول شماره ۹. آزمون آنووا در مورد تأثیر اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها (نگرش به خانواده)

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
--------------	---	-----------------	------------	---------------	--------------

بین گروه‌ها	۱۳۳/۱۵۸	۳	۴۴/۳۸۶	۰/۸۳۳	۰/۴۷۷
درون گروه‌ها	۱۰۱۲۴/۷۰۲	۱۹۰	۵۳/۲۸۸		
کل	۱۰۲۵۷/۸۶۱	۱۹۳			

پیامدهای مثبت تحقق چنین هدفی است که تأثیر مستقیم و به سزایی نیز بر سلامت فضای جامعه دارد.

از جمله استراتژی‌های موفق برای توانمندسازی فقر و کاهش فقر و محرومیت، استراتژی اشتغال و کارآفرینی مؤثر است. برای نیل به این هدف و تحقق کاهش فقر، همه ساله اعتباری برای تأمین هزینه‌های معیشتی نیازمندان و معلولان تحت پوشش سازمان‌ها و نهادهای حمایتی در نظر گرفته می‌شود.

از دیگر برنامه‌های ستاد اشتغال کش و آموزش معلولین و مجددجویان از طریق کارگاه‌های حمایتی با توجه به امکانات بخش خصوصی و خیریه است تا

معلولین و مددجویانی که نمی‌توانند از امکانات آموزشی بیرون استفاده کنند، در داخل منزل از این آموزش‌ها بهره‌مند شوند. این انتظار وجود دارد که با فعالیت‌های ستاد اشتغال، وضعیت اشتغال معلولین و مددجویان دارای نظام مندی خاصی شده و برنامه‌ریزی مدونی برای اشتغال جامعه هدف بهزیستی صورت پذیرد. بر پایه مطالعات صورت گرفته، آمار بیکاری افراد معلول خصوصاً در بین جوانان معلول در حدود دو برابر آمار بیکاری افراد سالم است، بنا براین، دستیابی به راهکارهای نتیجه بخش در جهت حمایت از خودکفایی شغلی و حقوق اجتماعی - فردی افراد معلول کاملاً ضرورت دارد. تحقیق حاضر با هدف اصلی بررسی و تحلیل اشتغال ایجاد شده بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه هدف بهزیستی انجام شده و به دنبال بررسی اثر اشتغال بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آزمودنی‌ها بوده است.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، اشتغال بر وضعیت اقتصادی آزمودنی‌ها اثر مثبتی داشته است. هم‌چنین، اشتغال بر وضعیت اقتصادی آزمودنی‌های شاغل در

همان‌طور که در جدول شماره ۹ ملاحظه می‌شود، F محاسبه شده (۰/۸۳۳) با درجات آزادی ۳ و ۱۹۰ $df=$ کوچکتر از F معیار می‌باشد. بنابراین فرض صفر تایید شده و فرض تحقیق مبنی بر "اثربخشی اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها (نگرش به خانواده)" ($p > 0/05$) رد می‌شود. از این رو، نتیجه می‌گیریم که بین میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، اشتغال به صورت‌های مختلف نمی‌تواند بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها مؤثر باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در حال حاضر، جوامع با رشد سریع و شتابنده‌ای مواجه شده‌اند، آن‌چنان که می‌توان دوره کنونی را دوره تحولات شتابنده و غیرقابل پیش‌بینی نامید. سازمان‌ها برای مقابله با تهدیدها و استفاده از فرصت‌های احتمالی به منظور دستیابی به اهداف سازمانی، می‌باید ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خویش را شناسایی نموده و نقاط ضعف را ترمیم و به تقویت نقاط قوت پردازند و از این طریق به توسعه کمی و کیفی سازمان خود دست یابند.

جامعه‌ای که سازمان بهزیستی عهده‌دار ارائه خدمات به آن می‌باشد از تنوع خاصی برخوردار است. معلولان، زنان سرپرست خانوار، جوانان بی‌سرپرست، آسیب‌دیدگان اجتماعی و اقشار در معرض آسیب از جمله این قشر محسوب می‌گردند. یکی از برنامه‌های محوری سازمان بهزیستی، ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی و توانمندسازی از طریق ایجاد اشتغال مولد در جامعه هدف است. حفظ و افزایش عزت نفس، احساس مفید بودن برای جامعه، سلامت جسمی، ارتقای منزلت اجتماعی، سلامت روانی، برطرف شدن انزوای اجتماعی و ...

(با میانگین ۲۰/۸) و تعاونی (با میانگین ۱۳/۳۶) از نظر وضعیت اجتماعی وجود ندارد. همچنین، تفاوت معناداری میان آزمودنی‌ها در گروه‌های شاغل در بخش کشاورزی (با میانگین ۲۰/۴۳)، صنعت (با میانگین ۱۹/۳۳) و خدمات (با میانگین ۲۰/۷۷) از نظر وضعیت اجتماعی وجود ندارد. این نتایج با نتایج پژوهش‌های دمن (۲۰۰۳)؛ یول (۲۰۰۶)؛ افشاری (۱۳۷۵)؛ کربلایی و لالایی (۱۳۷۸) همخوان و هماهنگ می‌باشد. در تمام تحقیقات یاد شده بر اثربخشی اشتغال بر وضعیت اجتماعی تأکید شده است.

سؤال دیگری که در تحقیق حاضر بررسی شد این بود که آیا اشتغال می‌تواند بر وضعیت فرهنگی آزمودنی‌ها تأثیر بگذارد؟ "جهت پاسخگویی به سؤال فوق از چند منظر به اثربخشی اشتغال بر وضعیت فرهنگی نگاه شده است.

نتایج نشان می‌دهد که میانگین تحصیلات گروه آزمودنی‌های شاغل (گروه آزمایش) معادل ۷/۶ و میانگین تحصیلات گروه آزمودنی‌های بیکار (گروه کنترل) معادل ۶/۷۷ می‌باشد. این تفاوت معنادار می‌باشد و به معنای اثر بخشی اشتغال بر وضعیت تحصیلات آزمودنی‌ها می‌باشد. از آنجا که میانگین آزمودنی‌های گروه شاغل بالاتر از گروه بیکار است، می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال توانسته است اثر مثبت و معناداری بر وضعیت فرهنگی (از نظر تحصیلات) آزمودنی‌ها بگذارد. این تفاوت با توجه به تعداد افراد خانواده معنادار می‌باشد و به معنای اثر بخشی اشتغال بر تعداد افراد خانواده می‌باشد. از آنجا که میانگین آزمودنی‌های گروه شاغل (گروه آزمایش) کمتر از گروه بیکار (گروه کنترل) است، می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال توانسته است اثر مثبت و معناداری بر وضعیت فرهنگی (از نظر تعداد افراد خانواده) آزمودنی‌ها بگذارد.

از سوی دیگر، این تفاوت با توجه به نگرش به خانواده نیز معنادار می‌باشد و به معنای اثر بخشی اشتغال بر نگرش به خانواده می‌باشد. از آنجا که میانگین

بخش‌های صنعت اثرات مطلوب‌تر و بهتری داشته است، به گونه‌ای که بیش از نیمی از آزمودنی‌های این بخش درآمد ماهیانه آنها بین ۱۰۱ تا ۲۰۰ هزار تومان در ماه بوده است. نتایج به دست آمده در مورد اثر بخشی اشتغال بر وضعیت اقتصادی همخوان با نتایج به دست آمده در دانشگاه نبراسکا (۲۰۰۲)؛ رایس (۲۰۰۵)؛ جکسون (۲۰۰۱) می‌باشد.

همان‌طور که گفته شد، اشتغال به صورت‌های مختلف بر وضعیت اقتصادی آزمودنی‌ها تأثیر داشته است. عبارت دیگر، آزمودنی‌هایی که به صورت کارفرمایی شاغل بوده‌اند (نسبت به سایر گروه‌ها) از وضعیت اقتصادی مطلوب‌تر و بهتری برخوردار می‌باشند. همچنین، اثر نوع اشتغال (دائم یا موقت) نیز بر وضعیت اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که بین آزمودنی‌هایی که به صورت موقت و آزمودنی‌هایی که به صورت دائم مشغول به کار می‌باشند تفاوت معناداری از لحاظ وضعیت اقتصادی وجود ندارد. این نتایج با نتایج پژوهش‌های قبلی (بلی، مثال، رایس، ۲۰۰۵؛ جکسون، ۲۰۰۱؛ نبراسکا، ۲۰۰۲؛ جونز، ۲۰۰۲؛ هدمن، ۲۰۰۳؛ کراوس، ۲۰۰۴؛ یول، ۱۹۹۶) هماهنگ و همسو می‌باشد.

سؤال دیگری که در تحقیق حاضر مطرح بوده است این است که "آیا اشتغال می‌تواند بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها تأثیر بگذارد؟" جهت پاسخگویی به سؤال فوق از چند منظر به اثربخشی اشتغال بر وضعیت اجتماعی نگاه شده است. نتایج نشان می‌دهد که میانگین گروه آزمودنی‌های شاغل (گروه آزمایش) معادل ۲۰/۴۳ و میانگین گروه آزمودنی‌های بیکار (گروه کنترل) معادل ۱۸/۳۳ می‌باشد. این تفاوت معنادار می‌باشد و به معنای اثر بخشی اشتغال بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال توانسته است اثر مثبت و معناداری بر وضعیت اجتماعی آزمودنی‌ها بگذارد. از سوی دیگر، تفاوت معناداری میان آزمودنی‌ها در گروه‌های کارفرمایی (با میانگین ۲۰/۱۹)، خود اشتغالی

تجربی دبیرستان های اهواز. شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان.
-افشاری، ملکه. (۱۳۷۵). مقایسه عملکرد تحصیلی و سازگاری عاطفی- اجتماعی دانش آموزان پسر و دختر پایه اول راهنمایی مادران شاغل و غیر شاغل با کنترل هوش در شوشتر. پایان نام هی کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه تربیت معلم، تهران.

-اوتادی، علی اکبر. (۱۳۸۱). مطالعه اثر بخشی آموزش مهارت های زندگی بر استرس خانوادگی و پذیرش اجتماعی. فصلنامه اصول بهداشت روانی. سال هفتم، بهار و تابستان ۸۴، شماره ۲۵، صص ۵۵-۴۷.

-ترابی کیا، هایده. (۱۳۷۷). بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و رضایت شغلی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه الزهرا.

-حسینی نسب، سید داوود. (۱۳۸۱). آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان. سومین کنگره آسیایی - آفریقایی روان شناسی مالزی، بولتن پژوهشی دانشگاه تبریز، شماره چهارم.

-فورسایت، دانلسون. (۱۳۸۰). پویایی گروه (شناخت و سنجش). ترجمه نجفی زند، جعفر؛ پاشا شریفی حسن. تهران: دوران.

-کوبلایی، لالایی، م. (۱۳۷۸). مطالعه ای پیرامون رابطه خویشین باوری و میزان افسردگی در نوجوانان و نقش مادران در این فعل و انفعال. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۱۳ (۱ و ۲)

آزمودنی های گروه شاغل (گروه آزمایش) بیشتر از گروه بیکار (گروه کنترل) است، می توان نتیجه گرفت که اشتغال توانسته است اثر مثبت و معناداری بر وضعیت فرهنگی (نگرش به خانواده) آزمودنی ها بگذارد. این نتایج با نتایج پژوهش های حسینی نسب (۱۳۸۱)؛ ابراهیمی (۱۳۸۱)؛ اوتادی (۱۳۸۱)؛ مباشرمقدم (۱۳۸۱)؛ ه دمن (۲۰۰۳)؛ افشاری (۱۳۷۵)؛ کربلایی و لالایی (۱۳۷۸)؛ یول (۱۹۹۶) همخوان و هماهنگ می باشد. در تمام تحقیقات یاد شده بر اثر بخشی اشتغال بر وضعیت اجتماعی تأکید شده است.

نتایج این پژوهش نشان می دهد که بین متغیرهای تحصیلات، تعداد افراد خانواده، درآمد ماهیانه، طبقه اجتماعی، نوع شغل (دائمی یا موقتی)، جنسیت، بیمه و پذیرش اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد، اما رابطه نوع شغل (بیکار و دارای شغل) و منابع تامین اعتبار با پذیرش اجتماعی معنادار است. به عبارت دیگر، داشتن شغل و کمک سرمایه کار توانسته است پذیرش اجتماعی آزمودنی ها را افزایش دهد.

همچنین، نتایج بیانگر این است که بین متغیرهای تحصیلات، سن، درآمد ماهیانه، طبقه اجتماعی، نوع شغل (دائمی یا موقتی) و اشتغال در بخش های مختلف، جنسیت، بیمه و عزت نفس رابطه معناداری وجود ندارد، اما رابطه شهرستان محل اقامت، نوع شغل (بیکار و دارای شغل) و منابع تامین اعتبار با عزت نفس معنادار است. به عبارت دیگر، شهرستان محل اقامت، داشتن شغل و محل اشتغال و منابع تامین اعتبار (کمک سرمایه کار) توانسته است عزت نفس آزمودنی ها را افزایش دهد.

منابع

-ابراهیمی، حسین. (۱۳۸۱). بررسی ارتباط سبک اسناد، عزت نفس و وضعیت اجتماعی - اقتصادی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر سال سوم

- Jackson, D. (2001). *Guide to management*. Bus Hs, 30. 5. ۳۹-۵۷.
- Jonse, C.A. (2002). *Toward a contingency theory of leadership*. Organizational behavior and human performance. 12, 62 – 82.
- Nebrascka (2002). *Organization development for operating manager*. NewYork: American association of management. 17, 102- 109.
- Riess, M. (2005). *Seating preference as impression*. Management communication, 11, 85 – 89.
- گلاس، و؛ استانلی، جولین. سی. (۱۳۶۸). *روش‌های آماری در تعلیم و تربیت و روان شناسی*. ترجمه اسفندیاری، مهتاش؛ عابدینی، جمال. تهران: ساوالان.
- مباشر مقدم، نسرين. (۱۳۸۱). *بررسی ارتباط هوش و سازگاری فردی- اجتماعی در نوجوانان تیز هوش و عادی*. پایان نامه ی کارشناسی ارشد چاپ نشده ، دانشگاه تهران.
- مولودی، علی‌رضا. (۱۳۷۰). *تاثیر شیوه‌های مشارکت کارکنان در فرایند نظارت سازمانی*. پایان نامه ی کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه تربیت مدرس.
- نور بلوچی، سیامک؛ مرتضوی، شهناز. (۱۳۷۱). *ارتباط مدیریت دموکراتیک با جمع گرایی فرهنگی در محیط‌های خانوادگی و شغلی ایرانی*. مجله ی پژوهش های روان شناختی، شماره ۳ و ۴، بهار و تابستان ۱۳۷۱، ص ۱۰-۳.
- یارایی، مژگان. (۱۳۷۸). *بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری فردی اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم مدارس راهنمایی اهواز*. پایان نامه ی کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه اهواز.
- Chroas, M.M. (2004). *A person – environment analysis of job stress*. Journal of personality and social psychology, 49, 628 – 635.
- Joull, M.A. (2006). *Managerial thinking and international study*. New York: Pergamum.
- Hedman, E.E. (2003). *On the theory of social change*. Home wood, III: Dorsey Press.

Quarterly Journal of Educational Psychology
Islamic Azad University Tonekabon Branch
Vol. 1, No. 1, autumn 2009, No 1

Examination and Analysis of the Created Employment on the Social, Economical and Cultural Condition of the Target Society of Khorasane Razavi Province Behzisti Organization

Tozandejani. Hasan*¹

1) Faculty member of Islamic Azad University. Neyshabour Branch

* Corresponding author: D.tozandejani44@yahoo.com

Abstract

This research is a research of descriptive and Survey type which is done with the aim of examining the effect of created jobs on economic, Social and cultural condition of target population of Khorasan razavi welfare organization. So a Sample of 768 subjects were selected with stratified method from supported people of rehabilitation Social affair and prevention areas in welfare organization and distributed randomly in Two groups of 384 subjects in experiment And control group. In this research three questionnaire of job and family attitude (researcher-made), Rosenberg's self esteem scale and Crown-Marlow's social acceptance. The results indicated that there were significant differences in studied variables in two groups being compared. In other word, the jobs created have had a positive impact on economic, social and cultural condition of society under study. Meanwhile financing resources, type of job and the city of residence have significant relationship with self esteem and financing resources and type of job have significant relationship with social acceptance too.

Keywords: Job and Family attitude –Created Jobs (employment) - Economic and Social Condition.